**( 105 )**

**عشق آباد**

**هو الله**

ای یادگار ابوالفضائل چند ماه پیش جواب نامه مفصل قدیم مرقوم گردید و ارسال شد خبر وصول نرسید لهذا چند روز پیش نسخه ثانی ارسال شد حال نیز این نامه مرقوم میگردد جمال مبارک روزنامه را مرآت حقیقت فرمودند انشاء الله مجله شما دائما تقابل بشمس حقیقت دارد یک دسته از خورشید خاور وارد شد چون شب و روز مشغول بودم در این چند روز فرصت مطالعه جمیع نسخه‌ها نگردید انشاء الله مطالعه خواهم نمود یک نسخه ملاحظه گردید تفصیل اغماض عین وزرا از حمایت بیچارگان غربا بود و شکایت از رؤسا و پیشکاران برهان و دلیل قاطع بود ولی یک قدری بعبارت شدید اگر عبارت ملایمتر باشد بهتر است باید مجله نزد کل منشور صدق و خیرخواه مسلم باشد که اشاره‌اش عبارت از شکایت عظیمه باشد مثلا اگر در حق نفسی بنگارد که حال آنشخص مستحق دقت نظر است اینکلمه عبارت از یک کتاب شکایت باشد که قارئین حتم نمایند که معلوم است این شخص بسیار هتاک و فتاک و ستمکار است که مجله خورشید چنین اشاره مینماید و اما قضیه رد بر زنادقه و تنبیه غافلان از نوجوانان ایران بسیار مفید ولی عبارت ولتر و رسو را و امثال آنان را عینا درج نمودن بعضی بیفکران را سبب فتور در دین گردد زیرا قوه محاکمه ندارند و عبارات آنان نیز چون فوق العاده رکیک و مستهزءآنه است تخدیش افکار جاهلان کند و حال آنکه نفس عبارت دلالت بر حماقت نماید مثلا ولتر در کتاب خویش نگاشته که در انجیل منصوص است که ابلیس حضرت مسیح را بکوه بلندی برد و جمیع دنیا را عرضه داشت گفت سجده بمن کن تا جمیع دنیا را بتو دهم حضرت ابلیس را طرد فرمودند نوشته است که قائل این قول از کرویت ارض بیخبر و جاهل بوده است زیرا هر قدر کوه بلند باشد و بعنان آسمان رسد نهایت اینست نصفه کره را کشف نماید و نصف دیگر مستور ماند و بعد میگوید ببینید که نویسنده این عبارت چه قدر جاهل و نادان بوده است و حال آنکه این عبارت دلالت بر نهایت جهالت میکند ولکن نوهوسان چون بشنوند وقر و رعب دین از نظرشان میرود این ولتر عبارت انجیل جلیل را باصطلاح عوام گرفته و از این جاهل بوده که مقصد از شیطان عالم طبیعت بشری است که انسان را برذائل اخلاق تشویق مینماید از جمله منازعه بقا و درندگی و اخلاق فاسده و فسق و فجور و هزلیات و عدم غیرت و خونخواری چون سباع ضاریه که منبعث از عالم طبیعت است یعنی شیطان عبارت از قوای طبیعت است که آن در عالم حقیقت بنفس اماره تعبیر شده پس مقصد از عبارت انجیل اینست که عالم طبیعت حضرت مسیح را دلالت بر موافقت نمود تا بسبب این قوای طبیعی تمکن تام در عالم طبیعت نماید کوه بلند اعلی ذروه عالم طبیعت بود که در آنمقام زخارف و شئون عالم طبیعت را بنظر حضرت جلوه داد فقط نورانیت حضرت و روحانیت حضرت مقاومت طبیعت کرد و هواجس طبیعت را رد نمود حال ملاحظه نمائید که بیان چه قدر بدیع است ولی آن نادان باصطلاح عوام گرفته و اعتراض بر آن روح مجسم نموده باری مقصود آنست که عبارات آن نادانان سبب تشویش افکار نوهوسان شود لهذا مرکز میثاق در مجمع زنادقهء امریکا اس مسائل را تشریح نمود و اساس بنیان آنانرا تخریب کرد و سؤال نمود میزان ادراک در نزد شما چه میزانیست گفتند میزان ادراک میزان حس است هر امر محسوس محتوم است و هر امر غیر محسوس مشبوه در جواب گفته شد که ما تحری حقیقت مینمائیم اگر میزان حس تام است نعم المطلوب استدلال بر این شد ولی میزان حس ناقص است زیرا حکم قطعی بوجود صور مرئیه در مرآت مینماید و حال آنکه معدومست و همچنین بصر جمیع این کواکب را متحرک و ارض را ساکن حکم میکند و حال آنکه بعقیده خود شما ارض متحرک و کواکب ساکن است و همچنین نقطه جواله در شب در مقابل بصر دائره‌ئی تشکیل میکند و حال آنکه آن دائره وجود ندارد و امثال ذلک دلائل بسیار اقامه شد که میزان حس ناقص است پس با وجود نقصان میزان چگونه اعتماد نمود و در نهایت نطق بکمال ادب چنین بیان شد که حضرات فیلسوفها و پروفسرها یک کلمه‌ئی میخواهم بگویم مرنجید اگر نمیرنجید بگویم گفتند بگوئید نمیرنجیم ذکر شد که میزان حس میزان ادراک در نزد حیوانست مثلا گاو هر امر محسوسی را محتوم شمرد و از حقائق معقوله غیر مرئیه ابدا خبری ندارد گاو ابدا خبری از خدا ندارد ابدا از عقل و معقول خبری ندارد ابدا از قوه کاشفه در حقیقت انسان خبری ندارد ابدا از قوه جاذبه خبری ندارد ابدا از ماده اثیریه که معتقد شماست خبری ندارد زیرا غیر محسوس است اگر اعتقاد بمکملیت میزان محسوس دلیل بر دانائی و فلسفه است حضرت گاو رئیس فلاسفه است زیرا فیلسوفان بیست سال زحمت کشند و تحصیل علوم نمایند تا معتقد بر واقعیت هر محسوس شوند گاو بمجرد ولادت باین حقیقت متصف گردد و فیلسوف اعظم شمرده شود

باری جمیع بدرجه‌ئی بهیجان آمدند که شلیک خنده برخاست باری از اینگونه ادله در تزییف آراء مادیون عصر که منکر حقیقت ساطعه و معارضه با دین میکنند باید ذکر نمود امیدوارم که تأییدات غیبیه شامل حال گردد و در جمیع امور مؤید و موفق باشید و نسخه‌های خورشید خاور را پی در پی بفرستید و علیک البهاء الابهی

حیفا ٤ جولای ١٩١٩

(ع ع)